

خرده فرهنگ‌های مینیاتوری

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۱

۲۴ رجب ۱۴۴۴ • ۱۵ فوریه ۲۰۲۲

شماره ۲۱۱۵۴

۳۳۷۴



هر جا که تویی تفرج آن جا

بزم یکی از سنت‌های ایران کهن است که در نگارگری‌های ایرانی بسیار تکرار شده، اما تکراری نشده است. هر نگارگر به فراخور این که بزم در کجا و چه زمانی اتفاق می‌افتاده است با قدرت خیال خود آن را دقیق و هنرمندانه به تصویر درمی‌آورد. است آن طور که تزئینات و ریزه کاری‌های این آثار، اکنون کدهای مهمی درباره معماری، آداب و پوشش و جغرافیای هر منطقه به پژوهشگران می‌دهد. سازهای یکی از کدهای مهم بزم‌های شاهانه هستند. این تصویر بخشی از نگاره «تاج‌گذاری منوچهر» از تصاویر شاهنامه شاه تهماسب است که در آن دو نوازنده‌نی در جلوی خود کیسه یا قابی دارند که داخل آن دوتی دیگر نیز وجود دارد. سنتی که هنوز بین نی نوازان پابرجاست. نگاره‌ای در «هشت بهشت» اصفهان نیز وجود دارد که زنی را در حال نواختن سنتور نشان می‌دهد که قدمت این ساز به دوره صفوی برمی‌گردد.



داغ عشق زدن بردست

شیوه دلدادگی و نشان دادن علاقه در گذشته با امروز متفاوت بوده است. گاهی مانند فرهاد، تشبه برمی‌داشتند و شروع به کندن بیستون می‌کردند، گاهی هم دست خود را داغ می‌زدند تا عشق خود را به معشوق نشان ثابت کنند. «داغ عشق زدن» رسمی بوده است که عاشاق در ایران کهن برای نشان دادن وفا و صداقت خود در عشق، پیروان بودند. آن‌ها طبق این رسم بر دست یکدیگر علامت‌هایی مشابه را داغ می‌کردند؛ شبیه آن چه در این نگارگری می‌بینیم. این نقاشی «میرافضل تونی» روایتگر رواج داغ عشق در میان مردم است. «تونی»، یکی از چیره‌دست‌ترین نگارگران ترسیم نقش‌های بزم، روزم تصاویر عاشقانه بوده است.



منابع: پرتال جامع علوم انسانی، مقاله تاملی در مینیاتور ایرانی، پژوهش فضا‌های معماری و شهری در مینیاتور ایرانی و ...



ساخت و ساز

به سبک آن روزها

این ساختمان نیمه کاره، بنای تکمیل نشده کاخ خورنق در عراق کنونی است. نعمان یکم دستور ساخت این کاخ را به معماری به نام «سنمار» داد تا در آن از یزدگرد اول ساسانی پذیرایی کند. در این قاب ۲۱ نفر در موقعیت‌های مختلف مشغول بنایی و کار هستند؛ ۷ نفر بالای ساختمان و ۱۴ نفر پایین. سنمار این کاخ را چنان ساخته بود که در ساعات مختلف رنگ عوض می‌کرد. همان‌طور که نظامی درباره مصالح و ویژگی‌های این کاخ می‌گوید: «صقلش از مالش سریشم و شیر / گشته آینه‌وار عکس پذیر / در شبانروزی از شتاب و درنگ / چون عروسان برآمدی به سه رنگ / یافتی از سه رنگ ناوردی / از رقی و سپیدی و زردی» هر چند نعمان برای این که سنمار کاخی شبیه یا بهتر از «خورنق» برای دیگران سازد او را از بالای کاخ به پایین پرتاب کرد و به همین دلیل «پاداش سنمار» در عربی به یک کنایه تبدیل شده است. این نگاره را کمال الدین بهزاد برای کتاب خمسه نظامی کشیده است.



مروارید و جواهر پاشی

«طبق‌های زر از زر و درم پر / طبق‌های دگر از گوهر و در / گهریزان بر اوصاحب نثاران / چو بر طرف چمن بر غنچه باران / ز بس کف هازر و گوهر فشان شد / عماری در زر و گوهر نشان شد / همه صف‌ها کشیده میل در میل / نثار افشان گذشتند از لب نیل» این روایت جامی از لحظه ورود زلیخا به مصر است. جامی در این نگاره از یوسف و زلیخا در دفتر دوم «هفت اورنگ» از یک رسم ایرانی می‌گوید که در آن وقتی داماد سوار بر اسبی سپید به عروسی نزدیک می‌شود دیس طلایی را از همراهنش می‌گیرد تا هنگامی که به پشت سر برمی‌گردد، یک سنت کهن ایرانی را که در جشن عروسی طلا، نقره، مروارید و جواهر می‌پاشند، اجرا کنند.



سیر تعجب شناسی

«انگشت به دهان گرفتن / ماندن» اصطلاحی است که آن را از شدت تعجب در کاری به زبان می‌آوریم. نگارگران ایرانی برای نشان دادن تعجب زیاد افراد در آثارشان از همین اصطلاح‌های کوچک استفاده می‌کردند تا هر نگاره به یک سکانس درجه یک تبدیل شود. تصویری شدن این نشانه‌ها و اصطلاح‌ها کمک زیادی به فهم و تکمیل این پروژه‌های هنری می‌کرد. نمونه نگارگری‌های انگشت به دهان گرفتن در نسخه‌های زیادی از دوره صفوی مشاهده می‌شود. در این دوره، تصویرگران به دنبال موضوعات محیر العقولی در ادبیات فارسی بودند تا هم برای مخاطب جذاب و هم تاکیدی بر موضوع شگفت‌انگیز نگاره باشد. تصویری که می‌بینید بخشی از نگاره «توکل کردن و اسب در آب راندن کبخسرو، فرنگیس و گیو» از شاهنامه طهماسبی است.



مروری بر منتخبی از مینیاتورهای ایرانی

که می‌توان با بررسی آن‌ها، خوانش‌های متفاوتی درباره آیین‌ها و سبک زندگی مردم ایران کهن پیدا کرد

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

پرونده

همیشه در حلقه آدم‌های اطراف مان، کسانی بوده‌اند که متفاوت می‌دیدند، می‌ساخته‌اند و زندگی می‌کرده‌اند. مینیاتور بیست‌های ایرانی جزو همان کسانی هستند که نگاه‌شان با معمولی‌ها فرق داشته است. آن‌ها برای ترسیم یک مینیاتور شبیه یک فیلم‌ساز صحنه‌ای تدارک می‌دیدند که در آن قاب مشخص است، اکسسوار و جزئیات روی صحنه بیداد می‌کند، گریمور کار خودش را به خوبی انجام می‌دهد و بعد هم نور، صدا و حرکت! مینیاتور کوتاه شده واژه فرانسوی «مینی‌موم‌نا‌تورال» و برابر با جهان کوچک است و بعدها در ایران جای خودش را به کلمه فارسی «نگارگری» داد و ما هم بعد از این، مطابق این قاعده عمل می‌کنیم. نگارگری در ایران به پیش از ظهور اسلام برمی‌گردد. این هنر در هر دوره افت و خیزهایی داشت و مکتب‌های مختلفی مانند شیراز، هرات، تبریز، قزوین و اصفهان با ویژگی‌های خاص در هر کدام از این بازه‌ها شکل گرفت. در این مطلب سراغ نگاره‌هایی رفتیم که هر کدام روایتگر سنت و آیین هستند یا نشانی از خرده فرهنگ‌های ایرانی دارند.

گرمابه و گلستان و آرایشگاه!

نگارگرهای ایرانی هر مکانی که فکرش را بکنید، پیش چشم‌تان می‌گذارد. آن‌ها مثل یک معمار همه ظرافت‌های طراحی معماری حمام را در نظر گرفته و به تصویر درآورده‌اند. این نگاره یکی از انواع مختلف گرمابه در نگارگری‌های ایرانی است که تمام آن چهارادر داخل گرمابه اتفاق می‌افتد، به نمایش می‌گذارد. در سمت راست فردی نشسته است و به نظر می‌رسد امور مربوط به دخل حمام را انجام می‌دهد. این گرمابه‌ها گرمخانه‌ای هم داشته‌اند که لنگ‌ها را در بالاترین قسمت آویزان می‌کردند تا زودتر خشک شود. البته پیشتر آرایشگاه‌ها و به اصطلاح سلمانی‌ها هم در گرمابه حضور داشته و مومی تراشیده‌اند. این نگاره «گرمابه رفتن هارون الرشید» اثر کمال الدین بهزاد در مکتب هرات است.



سرگرمی باچترنگ

یکی از قدیمی‌ترین نشانی‌های شطرنج در ایران به کتاب «کارنامه اردشیر بابکان» می‌رسد. در این کتاب آمده است: «اردشیر به فر خدای در چوگان، سواری، چترنگ (همان شطرنج) و شکار برتری یافت». هندی‌ها ادعا می‌کنند که شطرنج را به همه جای دنیا صادر کرده‌اند، ولی شطرنج یکی از پرکارترین بازی‌هایی است که می‌توان در نگارگری‌های ایرانی آن را دید؛ از نگاره‌های بهزاد (بزرگمهر) و پادشاه هند تا صحنه بازی شطرنج در دیوان شمس. مینیاتوری که می‌بینید صحنه بازی شطرنج در «هفت اورنگ» جامی است که دو نفر مشغول بازی و یک نفر مشغول تماشا است و هنوز چند مهره سفید و سیاه در صفحه بازی وجود دارد. این نگاره در موزه «فریر» واشنگتن نگهداری می‌شود.

